نگاهی به مقاتل حسین بن علی (ع) و ترکیب بند محتشم کاشانی

فریدون کوره ئی[1]

دکتر عباس ماهیار[2]

چکیده

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

توجه ویژه ی شـــاهان صفوی و افراط در شـــیعه گری و عدم توجه به شعر مدحی، شعر آیینی، خصوصاً شـــعر عاشـــورایی رشد فراوانی یافت و شـــاعران فراوانی در این عرصه پای نهادنـــد و قالـــب "ترکیب بند" که از گذشـــته مضمون رثا را در درون خود پرورده اســـت با شـــاهکار محتشم کاشانی به اوج خود رسید. و شاعران فراوانی از او تأثیر پذیرفتند و باتوجه به اشراف محتشم به مقاتل عاشورایی، تلمیحات و اشارات را با زیبایی ها و جلوه های ادبی در آمیخت به گونه ای که بعد از گذشـــت چهار ســـده ترکیب بند او ســـرلوحه ی دفتر مراثی ادب پارسی است.

واژه های کلیدی: محتشم، مقتل، بازتاب، رثا، ترکیب بند

---

۱ – دانش آموخته ی دوره ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲ – استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۷۹ ◇◇◇

می‌کند و درباره ی او می نویسد: «اَقول و الّظاهر انّه اوّل من کتب مقتل الحسین و کتابه اسبق کتب المقاتل» (همان: ۲۳ و ۲۴)

برخـــی محققان «ابومخنّف لوط بـــن یحیی ازدی غامـــدی» را نخستین مقتل نگار می‌دانند که هم عصر امام جعفر صادق بوده است.

بسیـــاری از محققـــان، مؤلّف «روضات الجنّات» روضهٔ الشـــهدای ملاحسین واعظ کاشفی (متوفای ۹۱۰ هـــق) را اولین مقتل فارسی معرفی کرده اند (موسوی خوانساری، ۱۳۴۹: ۲۳۰). ولی بطلان این نظر بر کسی پوشیده نیست. زیرا در طول تاریخ در متون منثور به بررسی وقایع عاشورا پرداخته اند و اشاره ای گذرا به این آثار داریم:

۲-۲- ترجمـــه ی تاریـــخ طبری: که در ســـال ۳۵۶ به امیرصالـــح منصور بن نوح ســـامانی، که بر زبان ابی الحسن الفایق الخاصّه پیغام فرســـتاد سوی ابوعلی محمّد بن محمـــد البلعمی الوزیر، که آن را به فارســـی دری برگردانیـــد، این کتاب هم در نهایت فصاحت و سادگی است.

۳-۲- ترجمه ی «الفتوح» ابن اعثم (م ۳۱۴ هـ): از محمدبن احمد مستوفی هروی، محقق سده ی ششم هجری، که از آن به نام های: «فتوحات الشّام» و «تاریخ فتوح» نیز یاد کرده اند (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸ و ۱۵۹)

۴-۲- مقتل الشّـــهداء: تألیف شـــاعری با تخلص «عاصی» به زبان فارسی با تاریخ کتابت ۸۸۷ هـــق. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی درباره ی این مقتل فارسی می نویسد: فیظهر انّه مقدّم علی «روضهٔ الشّهداء» للکاشفی المتوفّی سنهٔ ۹۱۰ هـــق (تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۳)

۵-۲- مقتل الشـــهداء: تألیف(المفاخر رازی) به زبان فارسی که بارها مورد استفاده ی ملاحسین واعظ کاشفی قرار گرفته و در روضهٔ الشهدا از آن یاد شده است. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی درباره ی این مقتل می نویسد: «ینقل عنه فی روضهٔ الشهداء کثیراً

۲۸۱ ◇◇◇

ب) مجموعه نامه ها، سخنان و خطبه های امام حسین (ع) از آغاز حرکت تا شهادت:

مهمترین منبعی که می تواند اهداف نهضت شگرف عاشورا را مشخص نماید مجموعه ی نامه ها، سخنان و خطبه های امام حسین (ع) از آغاز شکل گیری این رخداد بی نظیر تاریخی تا لحظه ی شهادت آن حضرت است. در اینجا برای تیمّن و تبرّک به نامه ها و سخنان کوتاهی از امام حسین استناد می کنیم که انتساب آن به امام (ع) مشهور است و حاوی خطوط اصلی و اساسی قیام ماندگار امام حسین (ع) است:

به درستی که من مرگ (در راه خدا) را جز سعادت و زندگانی با ستمگران را جز هلاکت و نابودی نمی دانم. (طبری، ۱۳۶۲: ۳۰۵) و (سیدطاووس،۱۳۸۹:۴۲)

آگاه باشید که زنازاده ی فرزند زنازاده (= عبیدالله بن زیاد) مرا در میان (انتخاب) مرگ و تسلیم (ذلّت بار) مخیّر ساخته ولی ذلّت از ما (خاندان پیامبر) فاصله دارد، ذلّتی که خداوند، ما و پیامبر خود و مؤمنان را از پذیرش آن بازداشته و به دور نگاه داشته است. امکان ندارد که مردان آزاده و غیرتمند تسلیم شدن در برابر ستمگران را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهند. (طبری،۱۳۶۲: ۳۲۳)

امام حسین (ع) در نامه ای به مردم بصره نوشته اند: (من در تشکیل حکومت اسلامی) شما را به کتاب خدا و سنّت رسول او فرا می خوانم. (همان: ۲۶۶)

امام حسین در نامه ی دیگری خطاب به مردم کوفه چهار شرط اساسی زمامداری مسلمین را یادآور می شوند: به جان خودم سوگند فقط کسی شایسته ی امامت و زمامداری (مسلمانان) است که به قرآن عمل کند و عدالت را مبنا و اساس کار (خود) قرار دهد و حق را گسترش دهد و خود را وقف (خدمت در راه) خدا سازد. (همان: ۲۶۲)امام حسین پس از شهادت اصحاب و یاران وفادار خود، سپاه دشمن را به پیکار طلبید و هرکس که در برابر او قرار می گرفت از دم شمشیر می گذرانید تا جایی که

۲۸۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۸۵ ◇◇◇

تعــدادی از اصحاب امــام حسین (ع) در چند مرحله از مراحل شــکل گیری قیام امام حسین (ع) حضور داشــته اند و بعضی در روز عاشــورا مجروح شده اند اما جان ســالم بدر برده اند و مشــاهدات خود را در مقاتل آورده اند که بسیاری از نقاط مبهم قیام عاشــورا را روشن می کند. از جمله ی آنها می توان به حسن به حسن‌بن علی‌بن ابی طالب (علیهم السلام) اشــاره کرد که در جریان روز عاشــورا زخم های متعددی خورد اما به وســیله بستگان خود از معرکــه ی جنگ رهایی یافت. افراد دیگری مانند ضحّاک بن عبدالله بن قیس مشــرقی و عقبهٔ بن سمعان به فیض شهادت نایل نیامدند. (سیدطاووس ۱۳۸۹: ۲۶۳)

ز) مطالب منقول از مخالفان امام حسین (ع):

بسیاری از مخالفان امام حسین (ع) بعد از واقعه ی عاشورا به صف «توّابین» پیوستند و مشاهدات خود را نقل کرده اند که مورد استناد مقتل نگاران قرار گرفته است.

ح) مشاهدات افراد بیطرف:

در میان راویان حادثه ی کربلا به افرادی برمی خوریم که نه در ســپاه امام حسین (ع) بوده اند و نه در شــمار ســپاه یزید. اینان مشــاهدات خود را برای دیگران بازگو می‌کنند که مورد استفاده ی مقتل نویسان قرار گرفته است. که عبیدالله بن الحر الجعفی را نمونه ای از این گروه می توان نام برد. (طبری۱۲۶۲: ۵۲۷)

محتشم کاشانی

خداوندگار شــعر عاشــورایی «حسّان العجم» مولانا ســیدکمال الدین علی فرزند خواجه میراحمد کاشــانی متخلّص به محتشم، شاعر اوایل عهد صفوی و از معاصرین

۲۸۷ ◇◇◇

خــود را دریافــت می نمود و بالأخره همان برادر قربانــی این راه گردید و در یکی از اســفار هند، دنیا را وداع می کند و از اینکه مثل ســایر شــعرا برای طمع دنیایی به هند نرفته از درگاه ممدوح خود شــاه تهماســب تقاضای صله می کند و او را حاتم طایی خطاب می کند.

آثار و احوال محتشم:

از کلیات محتشم پس از مرگ وی بنا به وصیتش به دست شاگردش میرتقی الدین محمدحسین کاشــی تنظیم شده اســت. آن را در پنج کتاب شعر و دو کتاب آمیخته از پیوسته و پراکنده فراهم آورد که به "هفت دیوان" مشهور است که عبارتند از:

الف) شیبیّه ب) شبابیّه ج) صبائیه د) جلالیّه هـ) نُقل عشّاق: و) ضروریات ز) معمیّات (صفا، ۱۳۶۹،ج۵/۲، ۷۹۴ – ۷۹۵)

در رساله ی جلالیّه هم اشاراتی به مراتب عرفان محتشم شده است تا همگان او را عارفی مجذوب و شــاعری مسلمان و متعهّد بشناسند و هفت بند او در مدح حضرت علی (ع) و دوازده بند او در باب حضرت سیدالشهدا و مصایب کربلا سروده است او را شاعری معتقد و متدیّن به شمار آورده است.

بازتاب سوگ سروده های خاقانی و راوندی در شعر محتشم

مرثیه سرایی در ادبیات ما پیشینه ای کهن دارد که سرایندگان تحت عناوین "مرثیه در باب شــهادت"، "مرثیه در باب عزیز از دســت رفته و فرزنــد دلبند" و در " رثا"ی خاندان های حکومتی بوده است.

از سده ی ششم هجری قمری مراثی به صورتی گسترده تر در ردیف سروده های ماندگار و جاوید ادب فارســی قرار گرفت و از بین بزرگان سده ی ششم دو تن یکی

۲۸۹ ◇◇◇

خاموش محتشم که از این حرف سوزناک مـرغ هوا و مـــاهی دریا کباب شد

خاقانی: بیت سوم

از سیل اشـــک بر سر طوفـان حادثه خوناب قبه قبه به شکل حباب شد

محتشم: بیت پنجم

خاموش محتشم که فلک بس که خون گریست دریا هـزار مرتبه گلـگون حـــباب شـد

خاقانی: بیت چهارم

چل گز سرشک خون زبر خاک درگذشت لابل چـهل قـــدم زیـــر ماهـــتاب شـــــد

محتشم: بیت ششم

خاموش محتشم که به سوز تو آفتاب از آه سـرد ماتمـــیان ماهـــتاب شد

خاقانی: بیت دهم

عاقل کجا رود که جهان دار ظلم گشت نحل از کجا چَرد که گیا زهر ناب شد

محتشم: بیت سوم

خاموش محتشم که از این شعر خون چکان در دیده، اشک مستمعان خون ناب شد

خاقانی: بیت سیزدهم

افلاک را لباس مصـیبت بسـاط گشت اجرام را وقایه ی ظلمت حجاب شد

محتشم: بیت هفتم

خاموش محتشم که ز ذکر غم حسین جبریل را زروی پیـمبر حـجاب شد

خاقانی: بیت چهاردهم

ماتم سرای گشت سپهر چهارمین روح الأمیـن به تعزیـت آفتـاب شد

محتشم: بیت پایانی بند چهارم

روح الأمین نهاده به زانو سر حجاب تاریک شد زدیـدن او چشم آفتاب

خاقانـــی: بیت هفدهم (که با بیت پایانی بند ششـــم ترکیب بند محتشـــم شـــباهت

۲۹۱ ◇◇◇

بر دوستانش هیچ گزند از زمیـن منه دشـمنش را بر آتـش قـهرش سـپند کن

محتشم: بیت پایانی بند دوم

آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد کز خوف خصم در حرم، افغان بلند شد

محتشم در بند هشتم خود، از ردیف و قافیه ی بند اول راوندی و نیز در بند یازدهم از قافیه ی بند دوم راوندی در بند مذکور «کرد» است، تأثیری آشکار پذیرفته که کاملاً مشـهود است. ضمن این که فصاحت و بلاغت ترکیب بند محتشم را نمی توان انکار کرد و همچنین فضل تقدّم راوندی را.

(نوایی،۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۳۲)

سوگواره سرایی در عهد صفویه

محتشـم شاعر غزل سـرا و مداح خاندان صفویه که در ساختن "ماده تاریخ" استاد بود با مرگ برادر افسرده و ملول گردید و شروع به سرودن مرثیه نمود و قدرت خود را در فنّ رثا بازیافت. محتشـم چون غزلیاتی سـرود برآن شـد که از سرودن شعر به نام و نانی دسـت یابد و برای رسـیدن به این هدف چون دیگر قصیده سرایان، مدیحه ای مقارن جلوس شـاه تهماسب به دربار او فرستاد و سلطان شریعتمدار صفوی او را تشویق به سرایش اشعار و مدایح مذهبی کرد. محتشم که از مرگ برادر اندوهناک بود در این باره نیز مرثیه ای سـرود و روبه اشعار دینی آورد و با سرودن مرثیه ی معروف به دوازده بند درباره ی واقعه ی کربلا به جایگاه والایی رسید.

تأثیر این ترکیب بند به گونه ای اسـت که بعد از گذشـت چهار سده هنوز کتیبه‌ی آن بر در و دیوار هر عزاخانه و حسینیه و تکیه ها و سـقّاخانه ها نقش بسته اسـت و زینت بخش حجله ی شهدای راهیان کربلا است و معتقدان آن همواره از آن کتیبه ها تبرّک می جویند و به جای لبان محتشـم بر ابیات جانگدازش بوسـه می زنند در واقع

۲۹۳ ◇◇◇

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چــه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعـید نیست این رستخیز عام که نامش محرم است

جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می کنند گـویا عزای اشـرف اولاد آدم اسـت و...

ج) تحت تأثیر قراردادن عواطف و احساسات رقیق در شنونده که مهمترین هدف رثاء است. محتشم با رعایت متانت و میانه روی و در نظر داشتن کلیّت قضیه به انجام رسانده و ترکیب بندش چون گوهری است که تراش خوش یافته و جلوه گر مضامین مختلفی است.

از آب هم مضایقه کــردند کـوفیان خوش داشتند حرمت مهـمانی کربلا

اهل حرم دریده گریبان گشاده موی فـریاد بـر در حـرم کبـریا زدنـــد و...

(همان: ۲۵-۲۶)

ترکیب بند محتشم و صاحب نظران:

۱- علّامه بحرالعلوم: اقبال کار محتشم چنان بود که حتّی شخصیتی نظیر علّامه ی بحرالعلوم را به اســتقبال از او به زبان عربی واداشت که سطح نخستین بند ترکیب بند علّامه چنین است: (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۸)

الله اکــبر مـا ذالحــادثُ الجــَلَلُ فَقَد تَـزَلزَلَ سَهلُ الارضِ و الجـبلُ

شگفتا این چه حادثه ی بزرگی است که کوه و صحرا از آن به جنبش درآمده است.

۲- شیخ آقابزرگ تهرانی، صاحب «الذریعه الی تصانیف الشیعه»:

قابل ذکر اســت که این ترکیب بند در یازده گره و دوازده بیت در هر بند پرداخته شده و «میرزا ابوالقاسم وفای شیرازی» بند آخر را به آن افزوده است و شیخ آقابزرگ تهرانی در این مورد معتقد اســت که علّامه به خاطر غیبت امام عصر (عج) بند آخر را

۲۹۵ ◇◇◇

از شعرا تتبّع آن نتوانستند کرد، رجحان تمام دارد.» (همان)

۷- یان ریپکا: اگرچه شعر او بیانگر تعصّب شیعی است، اما شاعر آن شیعی متعصب نیست. محتشم که بازرگانی ابریشم پیشه است در شاعری بارها کامیاب تر بوده است. و در بازی های لفظی شعر عصر صفویه محتشم پیشرو است. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۴۳۱)

زیباشناسی ترکیب بند محتشم

در اینجا به جلوه های زیبایی شناسی و استفاده از آرایه های لفظی و معنوی موجود در این ترکیب بند به تلخیص می پردازیم. که به ترتیب اولویت و فراوانی استفاده از آن به تلمیح، تشبیه، استعاره، واج آرایی، تشخیص، اغراق، کنایه، ارسال المثل، و... اشاره شده است. (قریشی زاده، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۲)

براعت استهلال

باز این چه شورش است که در خلق عالم است　　باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین　　بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

آیه‌ی شریفه ی: یُوم یُنفَخُ فی الصوّرِ فَتَأتونَ افواجاً: (سوره ی نبأ: ۱۸)

آیه‌ی شریفه ی: نفخَ فی الصورِ ذلک یوم الوعید: (سوره ی ق: ۲۰)

کشتی شکست خورده ز طوفان کربلا　　در خاک و خون فتاده به میدان کربلا

حدیث شریف نبوی: ان الحسین مصباح الهدی و سفینهٔ النجاهٔ.

از آب هم مضایقه کردند کوفیان　　خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

اشاره به بی وفایی مردم کوفه با امام (ع) و ضرب المثل (الکوفی لایوفی) (دهخدا، ۱۳۷۰:۲۶۹)

۲۹۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۹۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۳۰۱ ◇◇◇